

در تاریخ هنر، به ندرت پیش می‌آید که نمایش بدن‌های برهنه مردانه را بدون اجرای داستان‌های کلاسیک یا صحنه‌های اسطوره‌ای ببینیم. پاتریشیا برمن، استاد تاریخ هنر در کالج ولزلی در بوستون است. او چندین کتاب درباره مونک منتشر کرده است. در این مورد، گروهی از شناگران را می‌بینیم که در ساحل ایستاده‌اند، برخی به‌طور مستقیم به ما نگاه می‌کنند و برخی دیگر به آب می‌پرند و در آن آب‌پاشی می‌کنند. آنچه می‌بینیم، صحنه‌ای از زندگی روزمره است که توسط مونک و خلاقیتش به یک اثر بزرگ تبدیل شده است. چندین جنبه از این نقاشی واقعاً مرا مجذوب خود کرده است. یکی از آن‌ها حرکت از جلو به عقب است. فیگورهای پیش‌زمینه بر روی خط ساحلی ایستاده‌اند که خود به صورت منحنی است. این خط به سمت هر دو لبه بوم کشیده شده و در مرکز به سمت پایین می‌رود که کمی نامتعادل است. بنابراین ما این فیگورها را از جلو می‌بینیم. با این حال، وقتی به پشت آن‌ها نگاه می‌کنیم، به نظر می‌رسد که مستقیماً به داخل آب نگاه می‌کنیم. هنرمند واقعاً از دو روش پرسپکتیو مختلف برای نمایش این صحنه از جلو و از بالا استفاده کرده است. نکته دیگری که مرا مجذوب کرده، این است که در سمت راست، اگر به فیگورهایی که در لبه آب به ما نگاه می‌کنند دقت کنید، یکی از آن‌ها دستش را روی ران دیگری گذاشته است. مونک این موضوع را با ایجاد حس برنزه بودن سر و دست‌های فیگورها و رنگ‌پریدگی بقیه بدن‌هایشان تأکید کرده است. این ژست، چه به عنوان اروتیسم مردانه و چه به عنوان رفاقت، واقعاً ترکیب‌بندی را فعال می‌کند و آن را به چیزی بسیار پیچیده‌تر از گروهی از مردان که در یک روز تابستانی شنا می‌کنند، تبدیل می‌کند.